



ه.ا. سایه آینه در آینه

(مجموعه آثار)

به انتخاب دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی

رده‌بندی نشر چشمه: ادبیات - شعر فارسی - مجموعه شعر

آینه در آینه

(برگزیده شعر)

ه. ا. آینه

به انتخاب دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی

مدیر هنری: مجید عباسی

لیتوگرافی: بهار

چاپ: جیحوری

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

چاپ بیست و دوم: چاپ بیست و هشتم: کتاب: زمستان ۱۳۹۳، تهران

۴۰۰۰ تومان

ناشرانی: چاپ: یوسف لیموکیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.

هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجاره‌ی کتبی ناشر است.

www.cheshmeh.ir

شابک: ۲ - ۲۱ - ۶۱۹۴ - ۹۶۴ - ۹۲۸

دفتر مرکزی و فروش نشر چشمه:

تهران، خیابان انقلاب، خیابان اورنجان بیرونی، خیابان وحید نظری، شماره ۳۵

تلفن: ۶۶۹۲۵۲۴

فروشگاه نشر چشمه‌ی مرکزی:

تهران، خیابان کریم‌خان زند، تپش میرزای شیرازی، شماره ۱۰۷

تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

فروشگاه نشر چشمه‌ی کوروش:

تهران، بزرگراه ستاری شمال، نبش خیابان پهامبر مرکزی، مجتمع تجاری کوروش، طبقه پنجم، واحد ۴

تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸ - ۹۰

دربارهٔ این انتخاب

نقش ماگو شگارتند به دیباچهٔ عقل
هر کجا نامهٔ عشق است نشان من و توست

از دیر باز با شعر سایه انس و الفت داشته‌ام و نمی‌دانم چه گونه شکر این نعمت را باید گزارد که حشر و نشر بسیار نزدیک با او نیز یکی از خجستگی‌های زندگی من در این سال‌ها بوده است. همین دوستی نزدیک مرا گستاخ کرد که یک شب در بهار ۱۳۶۹ در شهر کلن در کشور آلمان، در حضور او، گاه از حافظه و زمانی با مراجعه به مجموعه‌های شعری او، این انتخاب را روی چند برگ کاغذ انجام دادم و او با بزرگواری، ولی بی‌هیچ اعمال سلیقه‌ای، پذیرفت که عیناً چاپ شود و این است حاصل آن‌گزینش، گزینشی یک شبه و حداقل سی و پنج‌ساله. سایه، در انواع سخن، شعر خوب و شعر درخشان بسیار دارد. اگر می‌خواستم این انتخاب را بر محور اصلی شاهکارهای او - که در آن

اکثریت با غزل هاست - استوار کنم، شاید برای بعضی از گونه‌ها و نمونه‌های دیگر کمتر مجال تجلی حاصل می‌شد. اما در این گزینش، مقصود اصلی، ارائه نموداری از مراحل مختلف خلاصیت هنری او و نمونه‌هایی از تجارب گوناگون وی در عالم شعر و شاعری بوده است. به همین دلیل شعرهایی از مجموعه سراب - که از نخستین آثار دوره جوانی اوست و در تحول شعر غنایی جدید پارسی بیش‌و کم نقشی داشته است - جای چندین نمونه از غزل‌های ممتاز دوران پختگی و کمال هنری او را گرفته است، و این به هیچ روی، نقض غرض نیست: به‌ویژه که غالب دیوان‌های او، هر کدام، بارها و بارها چاپ شده است و مانند کاغذ زر در میان عاشقان شعر فصیح پارسی دست به دست گشته است و کمتر حافظه فریخته‌ای است که شعری از روزگار ما به یاد داشته باشد و در میان ذخایرش نمونه‌هایی از شعر و غزل سایه نباشد. من این نکته را، در این لحظه، یکی از مهم‌ترین نشانه‌هایی توفیق یک شاعر می‌شمارم.

تهران، مرداد ۱۳۶۹

شفیعی کدکنی

30BOOK

از کتاب سراب ۱۳۳۰

۹	گل‌های یاس
۱۱	سراب
۱۳	آنا
۱۶	در لبخند او
۱۹	شیتاب
۲۲	شب سیاه
۲۴	مرگِ روز
۲۶	عشق گمشده
۲۹	آشناسوز
۳۱	آواز نگاه
۳۳	اندوه‌رنگ
۳۵	دره‌گنگ

گل‌های یاس

دوش، آن رشته‌های یاس، که بود
خفته بر سینه دل‌انگیزت،
راست گفتمی که آرزوی منست
که چنان گشته گردن آویزت.

با چه لبخندهای نازآلود،
با چه شیرین‌نگاه شورانگیز،
باز کردی ز گردن و، دادی
به من آن یاسهای عطرآمیز!

بوسه دادم بسی به یاد تو اش:
دل‌م از دست رفت و مست شدم.

آن چنانش به شوق بوییدم
که به بوی خوشش زدست شدم.

دوش، تا وقت بامداد، مرا
گل تو در کنار بالین بود.
در بر من بخت و عطر افشانند؛
بسترم، تا به صبح، مشکین بود.

به شگفت آمدم که: این همه بوی
ز گلی این چنین، عجب باشد!
حیرتم زد که: راز این گل چیست؟
که چنینم از آن طرب باشد...

آه، دانستم، ای شکوفه ناز! -
راز این بوی مستی آمیزت:
کاندر آن رشته، بود پیچیده
تاری از گیسوی دلاویزت!...

رشت، ۲۸ مرداد ۱۳۲۵

سراب

عمری به سر دویدم در جستجوی یار:
جز دسترس به وصل ویم آرزو نبود.
دادم درین هوس، دل دیوانه را به باد؛
این جستجو نبود.

هر سو، شتافتم بی آن یار ناشناس،
گاهی ز شوق، خنده زدم؛ گه گریستم.
بی آنکه خود بدانم ازین گونه بی قرار
مشتاق کیستم!

رویی شکفت چون گل رؤیا و، دیده گفت:
- «این است آن پری که ز من می نهفت رو.

خوش یافتم، که خوشتر از این چهره‌ای نتافت
در خواب آرزو...»

... هر سو مرا کشید پی خویش در به در،
این خوش پسند، دیده زیبا پرست من.
شد رهنمای این دل مشتاق بی قرار،
بگرفت دست من.

و آن آرزوی گمشده، بی نام و بی نشان،
در دورگاه دیده من جلوه می نمود.
در وادی خیال، مرا مست می دواند،
وز خویش می ربود.

از دور، می فریفت دل تشنه مرا؛
چون بحر، موج می زد و لرزان چو آب بود.
وانگه که پیش رفتم، با شور و التهاب،
دیدم سراب بود!

بیچاره من، که از پس این جستجو، هنوز
می نالد از من این دل شیدا که: «یار کو؟
کو آن که جاودانه مرا می دهد فریب؟
بنما، کجاست او!...»



idigraphica

ISBN 978-964-6194-21-2



9 789646 194212

شعر فارسی - ۸
۱۴۰۰۰ تومان

پرنده می داند

خیال دلکش پرواز در طراوت ابر
به خواب می ماند .

پرنده در قفس خویش

خواب می بیند .

پرنده در قفس خویش

به رنگ و روغن تصویر باغ می نگرد .

پرنده می داند

که باد بی نفس است

و باغ تصویری است .

پرنده در قفس خویش

خواب می بیند .

- از متن کتاب -